

رابطه هوش هیجانی مادران با نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌شنوا

عباس شیخ محمدی، علی رضایی میرحصاری، سروه سلیمانی

گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: دانش‌آموزان کم‌شنوا نسبت به دانش‌آموزان عادی در رسیدن به نظریه ذهن دچار تأخیر دارند. یکی از عوامل تأثیرگذار در رشد توانایی نظریه ذهن تعامل والد-کودک است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش هیجانی مادر بر توانایی دانش‌آموزان کم‌شنوا در توانایی نظریه ذهن بود.

روش بررسی: در این مطالعه که به روش همبستگی انجام شد، ۴۰ دانش‌آموز کم‌شنوای عمیق با محدوده سنی ۸-۱۴ سال انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌ها از طریق انجام آزمون روی دانش‌آموزان با استفاده از تکالیف باور غلط و پرسش‌نامه هوش هیجانی بود. پرسش‌نامه هوش هیجانی توسط مادران تکمیل شد. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین نمره کلی تکالیف باور غلط دانش‌آموزان کم‌شنوا و نمرات مادران آنان در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن همبستگی معنی‌داری وجود ندارد ($p > 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که نمرات مادران در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن قادر به پیش‌بینی نمرات دانش‌آموزان در تکالیف باور غلط نیست ($p > 0/01$).

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین هوش هیجانی مادران دانش‌آموزان کم‌شنوا و توانایی نظریه ذهن فرزندانشان رابطه معنی‌داری از نظر آماری وجود ندارد و هوش هیجانی مادران نمی‌تواند نمرات دانش‌آموزان را در تکالیف باور غلط پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، نظریه ذهن، دانش‌آموزان کم‌شنوا

(دریافت مقاله: ۹۳/۲/۱۵، پذیرش: ۹۳/۳/۲۶)

مقدمه

هوش هیجانی به این دلیل است که حالت‌های ذهنی دیگران نیز شامل وضعیت هیجانی می‌شود. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که هوش هیجانی و توانایی نظریه ذهن با یکدیگر ارتباط داشته باشند. به‌طور اختصاصی‌تر، نظریه ذهن دربرگیرنده اسناد حالت‌های هیجانی به دیگران است که این فرآیند می‌تواند به‌وسیله هوش هیجانی از طریق فراهم کردن قابلیت‌های مناسب هیجانی نظیر درک و شناسایی درست هیجان‌های دیگران تسهیل شود (۵).

اکثر پژوهش‌های مربوط به نظریه ذهن به کودکان مبتلا به اختلالات طیف اوتیسم توجه کرده‌اند، که در آنها هسته اصلی ویژگی‌های شناختی برای درک دیدگاه شخص دیگر دچار مشکل است (۶). در مطالعاتی که توانایی در نظریه ذهن در کودکان

نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کودکان ناشنوای دارای والدین شنوا اغلب در رشد نظریه ذهن نسبت به کودکان شنوا دچار تأخیر هستند (۱). نظریه ذهن همانند چتری عمل می‌کند که درک کودکان از حالات ذهنی دیگران را تحت لوای خود قرار می‌دهد. نظریه ذهن به ما اجازه می‌دهد تا حالات ذهنی (نیات، باورها و حالات عاطفی) خودمان و دیگران را که به‌نظر می‌رسد هسته اصلی شناخت اجتماعی است را درک کنیم (۲). سازه‌ای که در عین مجزا بودن از نظر مفهومی با نظریه ذهن در ارتباط است هوش هیجانی است (۳). هوش هیجانی به‌عنوان نوعی توانایی، عبارت است از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد، و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران (۴). هم‌پوشی مفهومی نظریه ذهن و

به احتمال بیشتری به هیجان‌های هم‌سالان خود توجه و در رفتارهای کمک کردن شرکت می‌کنند (۹). بنابراین هر چقدر توانایی والدین در شناخت و تنظیم هیجان‌های خود بالاتر باشد و به بیان دیگر هر چقدر هوش هیجانی والدین بالا باشد، فرزندان آنان نیز در درک هیجان‌ها، احساسات، افکار و نیت خود و دیگران توانمندتر می‌شوند. هوش هیجانی بالا در کودکان با توانایی در نظریه ذهن ارتباط دارد. در پژوهشی که روی کودکان دبستانی انجام شد، همبستگی معنی‌داری بین توانایی نظریه ذهن و هوش هیجانی به‌دست آمد (۱۱). در مطالعه Ferguson و Austin (۲۰۱۰) دیگر نیز رابطه معنی‌داری بین این دو سازه در بین بزرگسالان گزارش شده است (۵). در پژوهشی دیگر رابطه بین هوش هیجانی مادران و نظریه ذهن کودکان عادی آنان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی مادران و نمرات کودکان در توانایی نظریه ذهن رابطه معنی‌داری وجود دارد (۹). همانگونه که اشاره شد، کودکان کم‌شنا در تحول توانایی نظریه ذهن دچار تأخیر هستند. با توجه به ارتباط بین هوش هیجانی والدین و کودکان و همچنین ارتباطی که بین هوش هیجانی و توانایی نظریه ذهن وجود دارد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش بود که آیا بین هوش هیجانی مادران و توانایی نظریه ذهن در کودکان کم‌شنا رابطه وجود دارد؟

روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود که در آن ۴۰ دانش‌آموز دچار کاهش شنوایی و مادران آنان مورد بررسی قرار گرفت. افراد شرکت‌کننده دچار آسیب شنوایی که شدت کاهش شنوایی آنها عمیق بود، به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه، کاهش شنوایی عمیق و محدوده سنی ۱۴-۸ سال بود. همچنین همه والدین دانش‌آموزان دارای شنوایی بودند. روش آموزش این دانش‌آموزان روش ارتباط کامل یا روش ترکیبی بوده است که در آن هم از روش شفاهی و هم روش اشاره استفاده می‌شود. ابتدا، پس از توضیح هدف انجام پژوهش و کسب رضایت

کم‌شنا مورد بررسی قرار گرفته مشخص شده است که این گروه تأخیر قابل‌توجهی در اکتساب نظریه ذهن دارند به‌عنوان مثال مطالعه Peterson و siegal (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که کودکان کم‌شنا در خانواده‌های شنا نظریه ذهن را دیرتر از کودکان به‌هنگار کسب می‌کنند (۱۳ تا ۱۶ سالگی در مقابل ۳ تا ۷ سالگی) و این نتایج در پژوهش‌های دیگر به‌طور مکرر تکرار شده است. آنها استدلال کردند که درک باورهای غلط و رشد نظریه ذهن به‌طور معمول از طریق تعاملات بین والدین و فرزندان شکل می‌گیرد (۱). یکی از متغیرهایی که بر رشد توانایی نظریه ذهن اثرگذار است سبک تعامل والد-کودک است (۷). برای اینکه کودک به مرحله‌ای برسد که بتواند به‌طور مستقل افکار و رفتار دیگران را پیش‌بینی کند، باید درگیر تعاملاتی شود که این فعالیت‌ها را مکرر برای وی مدل‌سازی کند (۸). بر همین اساس، Astington (۱۹۹۶) نیاز به بررسی تعامل والد-کودک در تحول نظریه ذهن کودک را مطرح می‌سازد (۹). به‌نظر Carpendale و Lewis (۲۰۰۶)، کودکان در فراگیری ذهنی‌سازی و بنا نهادن فهم ذهنی طی تعاملات اجتماعی در مثلث شناختی فعال عمل می‌کنند. از طرفی در پرورش فهم ذهن، تفاوت‌های فردی مراقبان، کارآمدی روابط را در مثلث شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، برای آنکه کودک بتواند برای پرورش و بنا نهادن توانایی نظریه ذهن از تعاملات اجتماعی بیشترین بهره را ببرد، طرف دیگر رابطه باید نسبت به وضعیت ذهنی اخیر کودک حساس و از آن آگاه باشد (۹). یکی از پیامدهای مثبت رابطه هیجانی قوی میان والد و کودک، گسترش درک هیجانی کودک است که باعث رشد مجموعه مهارت‌هایی می‌شود که به شکل پیوسته در طول زندگی کودک تحول می‌یابند (۱۰). گفتگوی بی‌واسطه در مورد هیجان‌ها در خانواده اهمیت خاصی دارد، زیرا علاوه بر آموزش مجموعه مفاهیم هیجانی، موجب افزایش آگاهی کودک از حالت‌های هیجانی می‌شود (۹). همچنین توانایی والدین در تنظیم هیجان‌های خود، یکی از عناصری است که بر هوش هیجانی کودکان اثر می‌گذارد (۱۰). Denham و همکاران (۱۹۹۴) نشان دادند که کودکان مادرانی که در تنظیم هیجان‌های خود مهارت کافی دارند،

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات دانش آموزان در تکالیف باور غلط و نمرات مادران در پرسش نامه هوش هیجانی ($n=40$)

گروه	تکلیف	میانگین (انحراف معیار) نمره	کمترین نمره	بیشترین نمره
دانش آموزان	باور غلط	۳/۰۵ (۲/۱۶)	۰	۶
مادران	خودآگاهی	۲۹/۲۵ (۴/۴۵)	۱۶	۳۶
	خودکنترلی	۲۰/۸۰ (۵/۸۱)	۹	۳۳
	خودانگیزی	۲۳ (۳/۲۸)	۱۶	۲۹
	آگاهی اجتماعی	۲۰/۴۵ (۴/۴۷)	۱۱	۳۰
	مهارت های اجتماعی	۱۶/۵۵ (۳/۹۹)	۸	۲۴
	هوش هیجانی کلی	۱۱۰/۳۰ (۱۶/۶۹)	۷۹	۱۴۰

۰/۷۲، و ۰/۸۶ بود. در این آزمون تکالیف برای آزمودنی ها شرح داده می شد و آزمودنی ها می بایست به پرسش ها پاسخ می دادند هر تکلیف شامل سه پرسش بود که در صورتی که آزمودنی به پرسش اول پاسخ درست نمی داد نمره صفر دریافت می کرد و در صورت پاسخ درست پرسش های بعدی پرسیده می شد (۱۳).

برای تحلیل نتایج از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد. برای بررسی رابطه هوش هیجانی مادران و نمرات کودکان در تکالیف باور غلط، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته ها

میانگین و انحراف معیار نمرات دانش آموزان کم شنوا در تکالیف باور غلط و همچنین میانگین و انحراف معیار نمرات مادران آنان در هوش هیجانی و مؤلفه های آن در جدول ۱ نشان داده شده است. نتایج بررسی رابطه بین نمرات باور غلط و هوش هیجانی مادران با ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نظریه ذهن در کودکان و هوش هیجانی مادران آنان رابطه معنی داری وجود ندارد ($p>0/05$). همچنین بین مؤلفه های هوش هیجانی و نمرات کودکان در تکالیف باور غلط نیز همبستگی معنی داری وجود نداشت. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان

مراجع برای شرکت در پژوهش، تکالیف باور غلط (false belief tasks) روی آزمودنی ها اجرا شد و سپس پرسش نامه هوش هیجانی shrink (۱۹۹۹) در اختیار مادران آزمودنی ها قرار گرفت. پرسش نامه هوش هیجانی توسط والدین تکمیل شد. آزمودنی های این مطالعه از مدارس انتخاب شدند و بعد از انتخاب آزمودنی ها آزمون باور غلط در اتاقی مجزا در مدارس که آزمودنی ها بودند انجام شد. پرسش نامه هوش هیجانی shrink (۱۹۹۹)، پرسشنامه ای ۳۳ سؤالی است که توسط منصوری (۲۰۰۱) در ایران هنجاریابی شده است. این پرسش نامه، مشتمل بر یک نمره کلی (هوش بهر هیجانی کلی) و پنج عامل مرکب (خودآگاهی، خود کنترلی، خودانگیزی، آگاهی اجتماعی و مهارت های اجتماعی) است. منصوری ابعاد پرسش نامه هوش هیجانی shrink را با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن را بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۴ گزارش کرد. همچنین ضریب همسانی درونی کل آزمون را ۰/۸۴ به دست آورد (۱۲).

تکالیف باور غلط رایج ترین مقیاس در ارزیابی توانایی نظریه ذهن هستند. مجموعه آزمون باور غلط مورد استفاده در این پژوهش شامل سه تکلیف تغییر مکان یا آزمون سالی-آن؛ تکلیف تغییر ظاهر؛ تکلیف جعبه گول زنده یا آزمون اسمارتیس است. میزان اعتبار به دست آمده برای تکالیف بالا به ترتیب برابر با ۰/۸۴،

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون هوش هیجانی و نمرات باور غلط

رابطه با نمره باور غلط کودک		
عوامل هوش هیجانی	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب رگرسیون
خودآگاهی	۰/۲۵*	-۰/۲۶*
خودکنترلی	۰/۱۱*	-۰/۰۶*
خودانگیزی	۰/۱۰*	-۰/۸۹*
آگاهی اجتماعی	۰/۱۶*	-۰/۵۸*
مهارت‌های اجتماعی	۰/۱۶*	-۰/۲۳*
هوش هیجانی کلی	۰/۲۱*	-۰/۳۲*

* $p > 0/05$

داد که نمرات کودکان در تکالیف باور غلط از طریق نمرات مادران در هوش هیجانی قابل پیش‌بینی نبوده و همچنین بتای (β) هیچ یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی معنی‌دار نبوده و قادر به پیش‌بینی نمرات تکالیف باور غلط نیستند (جدول ۲).

بحث

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش هیجانی مادران و توانایی نظریه ذهن در دانش‌آموزان کم‌شنوا بوده است. همانگونه که مطرح شد نظریه ذهن و هوش هیجانی دو مفهومی هستند که با یکدیگر مرتبط هستند (۴) چرا که حالت‌های ذهنی دیگران شامل وضعیت هیجانی نیز می‌شود. به‌طور اختصاصی‌تر، نظریه ذهن دربرگیرنده اسناد حالت‌های هیجانی به دیگران است که این فرآیند می‌تواند به‌وسیله هوش هیجانی از طریق فراهم کردن قابلیت‌های مناسب هیجانی نظیر درک و شناسایی درست هیجان‌های دیگران تسهیل شود (۵). یکی از متغیرهایی که بر رشد توانایی نظریه ذهن اثرگذار است سبک تعامل والد-کودک است (۷). Peterson و Siegal (۱۹۹۵) استدلال کردند که درک باورهای غلط و رشد نظریه ذهن به‌طور معمول از طریق تعاملات بین والدین و فرزندان شکل می‌گیرد (۱). اما واضح است که تعامل بین کودک ناشنوا با والدین همانند

کودکان به‌هنگار نیست. آنها بر این باورند که دسترسی محدود کودکان ناشنوا به گفتگو در مورد حالات ذهنی علت اولیه نقص در توانایی نظریه ذهن است (۱). صحبت کردن و گفتگوی بی‌واسطه در مورد هیجان‌ها در خانواده اهمیت خاصی دارد، زیرا علاوه بر آموزش مجموعه مفاهیم هیجانی، موجب افزایش آگاهی کودک از حالت‌های هیجانی می‌شود (۹). همچنین هوش هیجانی مادر نیز در رسیدن به نظریه ذهن در کودکان عادی نقش دارد (۹). ولی پژوهش حاضر نشان داد که بین توانایی نظریه ذهن کودکان کم‌شنوا و هوش هیجانی مادران آنان رابطه معنی‌داری از نظر آماری وجود ندارد. نمونه پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان ۸ تا ۱۴ ساله ناشنوا و مادران آنان بود که همه مادران دارای شنوایی هنگار بودند. کودکان ناشنوا دارای والدین شنوا محدودیت‌های قابل توجهی در تبادل اطلاعات مرتبط با حالات ذهنی هم‌چون باورها، افکار و احساسات و نیت با اعضای خانواده و هم‌سالان دارند. Paterson (۲۰۰۴)، این موضوع را به محرومیت این کودکان از داشتن یک زبان مشترک و روان با دیگران می‌داند و معتقد است که عدم تسلط به زبان باعث می‌شود کودکان ناشنوا با والدین شنوا کمتر ارتباط داشته و دیرتر از حالات ذهنی که نمود عینی ندارند، آگاه شوند. آگاهی از باورها، تمایلات، هیجان‌ها و نیت دیگران مستلزم تعامل با آنها و درک و بیان کلمات غیر عینی

است. موضوعی که از مشکلات زبان‌آموزی کودکان ناشنوا است (۱۲). Bachara و همکاران (۱۹۸۰) با مطالعه دانش‌آموزان ناشنوی ۹ تا ۱۴ ساله دریافتند که این دانش‌آموزان نسبت به هم‌سالان خود، خودمیان‌بینی (egocentric) بیشتری دارند (یعنی قادر به درک دیدگاه دیگران نیستند) (۱۳). Brown و Young (۱۹۸۱) اعتقاد دارند یکی از دلایل احتمالی برای یافته Bachara و همکاران (۱۹۸۰) مبنی بر خودمیان‌بینی بیشتر دانش‌آموزان ناشنوا این است که انعطاف‌پذیری زبانی بستگی به بلوغ شناختی و اجتماعی دارد، بنابراین کودکانی که از تعاملات اولیه زبانی با والدین و سایر افراد بهره می‌برند، بهتر قادر هستند تا دیدگاه دیگران را در تعاملات اجتماعی در نظر بگیرند (۱۳). پس یکی از عواملی که می‌تواند عدم ارتباط هوش هیجانی و نظریه ذهن را در کودکان کم‌شنوا توجیه کند، زبان و در سطحی فراتر تعامل مادر و کودک است. رشد توانایی زبانی نقش مهمی در رشد نظریه ذهن ایفا می‌کند. Smith (۱۹۹۶) بیان می‌کند که استنباط حالت‌های ذهنی واضح (نظیر همدلی کردن با دیگران و دیدگاه‌گیری) به استدلال، تجسم و بیان کلامی وابسته است. بنابراین، به میزانی که نظریه ذهن را مهارت معنا دادن به حالت‌های ذهنی (دیگران) در نظر می‌گیریم، زبان نیز به شکل تغییرناپذیری با آن درمی‌آمیزد (۹). Bat-Chava و Deignan (۲۰۰۱) بیان کرده‌اند که تأخیر کودکان کم‌شنوا در رشد زبان و گفتار موانع زیادی در ایجاد و حفظ روابط اجتماعی به وجود می‌آورد. علاوه بر این، آسیب زبان و گفتار با نقایص در شناخت اجتماعی یا شایستگی اجتماعی مرتبط است که باعث می‌شود تا تعامل اجتماعی تضعیف شود. این منطقی است که نتیجه بگیریم که چون کودکان کم‌شنوا به طور کلی توانایی زبان و گفتار ضعیف‌تری نسبت به کودکان به‌هنگار دارند، فرصت‌های آنها برای تعامل با دیگران برای یادگیری و تمرین مهارت‌های اجتماعی کافی نیست (۱۴). این ادعا بعدها به وسیله مطالعاتی که در مورد کودکان ناشنوا دارای والدین ناشنوا انجام شد تأیید شد چرا که این کودکان می‌توانستند با استفاده از زبان اشاره با والدین خود ارتباط برقرار کنند و عملکرد آنان در زبان و تکالیف باور غلط به کودکان با شنوایی طبیعی نزدیک بود (۱).

در پژوهش حاضر همه والدین دانش‌آموزان کم‌شنوا، شنوا بودند. بیش از ۹۰ درصد از کودکان ناشنوا والدین شنوا دارند که اکثر این والدین آشنایی کمی با زبان اشاره و مهارت‌های مرتبط با زبان اشاره دارند. بسیاری از کودکان ناشنوایی که نمی‌توانند به طور قابل ملاحظه‌ای از زبان گفتاری سود ببرند در رشد اولیه دچار مشکل می‌شوند. در واقع شواهد بسیاری وجود دارد که کودکان ناشنوایی که از سنین اولیه به طور فعال در تعاملات گفتاری با والدین مشارکت می‌کنند از نظر رشد زبانی، شناختی و اجتماعی کفایت بیشتری دارند (۱۵). کودکان ناشنوا دارای والدین شنوا فرصت مکالمات اولیه را با اطرافیان در مورد عقاید و ایده‌های ذهنی و تصورات ندارند و همین مسئله باعث محروم شدن آنان از منابع ضروری درون‌دادهای شناختی می‌شود (۱). همچنین برخی از مطالعات نشان داده‌اند که والدین شنوای دارای کودک ناشنوا، سیالی و روانی کافی در ارتباط با کودک خود ندارند تا آنان را در مکالمات و مباحث ذهنی و انتزاعی درگیر سازند (۱۳). مهارت‌های زبانی یک پیش‌نیاز برای مشارکت در صحبت در مورد حالات ذهنی است. مطالعات متعددی همبستگی مثبت بین زبان و رشد توانایی نظریه ذهن در کودکان به‌هنگار و کودکان کم‌شنوا را اثبات کرده‌اند (۱۶). علاوه بر نقش زبان در رشد توانایی نظریه ذهن، درون‌دادهای مادر در مورد حالات ذهنی به‌ویژه استفاده از لغاتی که متضمن حالات ذهنی هستند نیز در رشد توانایی نظریه ذهن در کودکان کم‌شنوا نقش دارد. عملکرد بهتر مادر (در اصطلاحات مربوط به حالات ذهنی) و کودک (در زبان و نظریه ذهن) با سطح بالای کفایت مادر در گفتار نشانه‌ای رابطه چشمگیری دارد. به عبارتی زمانی که ارتباط مادر و کودک کم‌شنوا دارای کفایت زبانی بالایی است آنها به طور فعال‌تری در مورد حالات درونی و ارتباط این حالات درونی با رفتارهای بیرونی افراد صحبت می‌کنند (۱۷). بنابراین مشاهده می‌شود که تفاوتی که در رابطه بین هوش هیجانی مادر و نظریه ذهن کودکان کم‌شنوا و به‌هنگار وجود دارد می‌تواند ناشی از متغیرهایی از قبیل رشد زبانی کودک، کیفیت مکالمات بین مادر و کودک و نیز تسلط مادر در گفتار و استفاده از علایم و نشانه‌های مربوط به حالات ذهنی باشد.

آموزشی در ارتباط بین هوش هیجانی مادر و نظریه ذهن کودکان ناشنوا نیاز به بررسی‌های بیشتر بوده و امید است تا در پژوهش‌های بعدی این روابط مورد بررسی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم وجود رابطه معنی‌دار بین هوش هیجانی مادران و نظریه ذهن در کودکان آنان در بین جمعیت کودکان عادی این رابطه در بین افراد کم‌شنوا وجود نداشت و شاید علت این عدم ارتباط، به نقش غیر قابل انکار زبان و گفتگو در قالب تعامل کودک و مادر در رشد توانایی نظریه ذهن باز گردد.

سپاسگزاری

از زحمات مدیر محترم آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، سرکار خانم سرهنگی کارشناس آموزشی مدرسه عدالت، سرکار خانم صاحب جمعی مدیر مدرسه باغچه‌بان شماره یک، معلمان مدارس استثنایی و مادران گرمی دانش‌آموزان قدردانی می‌شود و از تمامی دانش‌آموزانی که در این پژوهش تحت آزمون قرار گرفتند سپاسگزاری ویژه به‌عمل می‌آید.

به عبارتی کودکان به‌هنگار به‌دلیل مجهز بودن به توانایی‌های زبانی شانس بیشتری در درگیری در مکالمات داشته و از این طریق توانایی آنان در نظریه ذهن گسترش می‌یابد چرا که زبان نقش اساسی در رشد توانایی نظریه ذهن دارد (۱). هرچه تعامل هیجانی مادر و کودک بیشتر باشد توانایی کودک نیز در درک هیجانات خود و دیگران افزایش می‌یابد. این تعامل در کودکان به‌هنگار به واسطه توانایی کلامی تسهیل‌شده‌تر بود ولی در کودکان کم‌شنوا دچار مشکل است (۹).

تعداد کم حجم نمونه و همچنین دامنه سنی دانش‌آموزان (۸ تا ۱۴) تعمیم‌پذیری نتایج را به جامعه بزرگ‌تر و دامنه‌های سنی دیگر با محدودیت مواجه می‌کند. با توجه به این که مادران دانش‌آموزان پژوهش حاضر، شنوا بودند پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی، دانش‌آموزان ناشنوایی که والدین ناشنوا دارند نیز مورد بررسی قرار گیرند تا نقش شنوایی مادران در ارتباط هوش هیجانی و نظریه ذهن کودکان آنها بررسی شود. از آنجاکه مطالعه حاضر، اولین مطالعه‌ای است که به بررسی رابطه بین هوش هیجانی مادران و نظریه ذهن در کودکان ناشنوا پرداخته است، برای درک اثر زمان تشخیص ناشنوایی، سن کودکان و روش‌های

REFERENCES

- Peterson CC, Siegal M. Deafness, conversation and theory of mind. *J Child Psychol Psychiatry*. 1995;36(3):459-74.
- Ibanez A, Huepe D, Gempp R, Gutiérrez V, Rivera-Rei A, Toledo MI. Empathy, sex and fluid intelligence as predictors of theory of mind. *Pers Individ Dif*. 2013;54(5): 616-21.
- Blair RJR. Did Cain fail to represent the thoughts of abel before he killed him? the relationship between theory of mind and aggression. In: Repacholi B, Slaughter V, editors. *Individual differences in theory of mind*. Macquarie monographs in cognitive science. New York: Psychology Press; 2003. p. 143-70.
- Mayer JD, Salovey P. What is emotional intelligence. In: Salovey P, Sluyter DJ, editors. *Emotional development and emotional intelligence: implications for educators*. New York: Basic Books; 1997. p. 3-31.
- Ferguson FJ, Austin EJ. Associations of trait and ability emotional intelligence with performance on theory of mind tasks in an adult sample. *Pers Individ Dif*. 2010;49(5):414-8.
- Meera SS, Prasad T, Bhat RJ. Language and theory of mind in children with hearing impairment- a preliminary study. *JISHA*. 2011;26(1):36-42.
- Ruffman T, Perner J, Parkin L. How parenting style affects false belief understanding. *Soc*

- Dev. 1999;8(3):395-411.
8. Vinden PG. Parenting attitudes and children's understanding of mind: a comparison of Korean American and Anglo-American families. *Cogn Dev.* 2001;16(3):793-809.
9. Ghorbali A, Besharat MA. Evaluating the possible relationship between the maternal emotional intelligence and children's theory of mind. *Advances in Cognitive Science.* 2013;15(2):40-9. Persian.
10. Lagacé-Séguin DG, Coplan RJ. Maternal emotional styles and child social adjustment: assessment, correlates, outcomes and goodness of fit in early childhood. *Soc Dev.* 2005;14(4):613-36.
11. Barlow A, Qualter P, Stylianou M. Relationships between Machiavellianism, emotional intelligence and theory of mind in children. *Pers Individ Dif.* 2010;48(1):78-82.
12. Haddadi Kohsar AA, Roshan R, Asgharnezhad Faried AA. A comparison of student's emotional intelligence and mental health with their affective relationship in family. *Journal of Psychology.* 2007;1(4):69-87. Persian.
13. Hassanzadeh S, Mohseni N, Afrouz GA, Hejazi E. The study of cognition development in deaf children based on theory of mind. *Research on Exceptional Children.* 2007;7(1):19-44. Persian.
14. Bat-Chava Y, Deignan E. Peer relationships of children with cochlear implants. *J Deaf Stud Deaf Educ.* 2001;6(3):186-99.
15. Marschark M. Psychological development of deaf children. 1st ed. New York: Oxford University Press; 1993.
16. Vaccari C, Marschark M. Communication between parents and deaf children: implications for social-emotional development. *J Child Psychol Psychiatry.* 1997;38(7):793-801.
17. Moeller MP, Schick B. Relations between maternal input and theory of mind understanding in deaf children. *Child Dev.* 2006;77(3):751-66.

Research Article

Relationship between maternal emotional intelligence and theory of mind in students with hearing impairment

Abbas Sheikhmohammadi, Ali Rezaei Mirhesari, Sirwe Soleimany

Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of psychology and Educational Science, University of Tehran, Iran

Received: 5 May 2014, accepted: 16 June 2014

Abstract

Background and Aim: Students with hearing impairment show delayed development of theory of mind (ToM) compared with normal children. One factor impacting development of theory of mind is parent-child interaction. The present study investigated the relationship between maternal emotional intelligence and theory of mind in students with hearing impairment.

Methods: The present study employed correlational research. 40 students with profound hearing impairment (age range: 8-14 years) and their mothers were selected to participate. Measurement instruments included the false belief task and emotional intelligence questionnaire. The questionnaire was completed by mothers. Correlational analysis and multiple regression methods were used for data analysis.

Results: Results indicated no significant correlation between the total score on false belief task and the emotional intelligence score and its components ($p>0.01$). Multiple regression analysis showed that maternal emotional intelligence and its components cannot predict student's scores in false belief tasks ($p>0.01$).

Conclusion: The results show that there is no significant correlation between maternal emotional intelligence and theory of mind in students with hearing impairment. Therefore, maternal emotional intelligence cannot predict the development of theory of mind in students with hearing impairment.

Keywords: Emotional intelligence, theory of mind, students with hearing impairment

Please cite this paper as: Sheikhmohammadi A, Rezaei Mirhesari A, Solimany S. Relationship between maternal emotional intelligence and theory of mind in students with hearing impairment. Audiol. 2014;23(5):86-93. Persian.

Corresponding author: Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Educational Science, University of Tehran, Jalale Ale-Ahmad Highway, Tehran, 1445983861, Iran. Tel: 009821-61117451, E-mail: sheikhmohammadi.a@gmail.com